



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 16 Issue: 42
Spring 2025

Pages: 163-189

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/jiiph.2024.61427.2512

Received: 2024/04/29

Received in revised form: 2024/10/03

Accepted: 2024/10/21

Published: 2025/03/29

An Analysis of the Economic Activities of the Kouzeh-Kanani Trading House and Its Challenges in Mashhad during the Pahlavi Era: From Exports to Industrial Production

Ali Najafzadeh¹| Fazlollah Boraghi²

Abstract

Haj Kazem Kouzeh-Kanani (died 1937) was one of the wealthiest and most influential merchants of Mashhad during the early Pahlavi era. After the 1917 Russian Revolution and the Bolshevik takeover, he migrated from Bukhara to Mashhad. Despite Iran's economic crises, he successfully established a thriving trading house in Mashhad, setting him apart from many other merchants who faced bankruptcy. He expanded his business by opening multiple branches both within and outside Iran, with Mashhad serving as the central hub. The Kouzeh-Kanani trading house became a leading commercial enterprise in the Khorasan region during the early Pahlavi era. This research investigates the following questions: What were the primary business activities of the Kouzeh-Kanani trading house? What strategies did they employ to ensure their business's economic success and growth? And what were the major challenges and obstacles they faced during their operations? This study uses a descriptive-analytical approach, utilizing historical research methods and relying on primary and secondary sources to examine the evolution of the Kouzeh-Kanani trading house over two decades. The research reveals that Kouzeh-Kanani significantly expanded his commercial operations in Mashhad. After gaining international experience through travel and study in Europe, he diversified his business beyond traditional imports and exports, focusing on domestic production. He secured exclusive rights and introduced new factories to enhance his economic ventures. Kouzeh-Kanani sought to diversify his business interests by acquiring exclusive rights in various industries,

1. Assistant Professor, Department of History, University of Birjand, Iran (Corresponding Author)
anajaf@birjand.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of History, Payam Noor University, Tehran, Iran
fboraghi@pnu.ac.ir



Publisher: University of Tabriz

tabrizu.history2011@gmail.com

including oil extraction, cotton spinning, carpet weaving, sulfur production, and dam construction. He also ventured into livestock breeding, importing Karakul sheep for leather production. His entrepreneurial endeavors led to the establishment of cotton cleaning factories, cigarette manufacturing plants, chocolate production facilities, automobile repair workshops, and rope-weaving operations. Kouzeh-Kanani's ventures across various industries were often hindered by complex administrative regulations, corruption, and undue government influence. Despite these challenges, the Kouzeh-Kanani trading house significantly contributed to the local economy, pioneering the production of chocolate, cigarettes, and Karakul leather. However, following the untimely deaths of his sons, the business shifted its focus from manufacturing to exports.

Keywords: *Foreign trade, exports, new industries, Kouzeh-Kanani, Mashhad.*

بررسی فعالیت‌های اقتصادی تجارتخانه کوزه‌کنانی و چالش‌های آن
در مشهد دوره پهلوی: از صادرات تا تولید صنعتی
علی نجف‌زاده^۱ | فصل‌الله براقی^۲

چکیده

حاج کاظم کوزه‌کنانی (متوفی ۱۳۱۶ ش.) یکی از تجار ثروتمند و تأثیرگذار مشهد در دوره پهلوی اول بود. او پس از انقلاب ۱۹۱۷ م. روسیه و تسلط بلشویک‌ها، از بخارا به مشهد مهاجرت کرد و توانست در سال‌های بحران اقتصادی ایران برخلاف بسیاری از تجار که ورشکست شدند، تجارتخانه پربرونی در مشهد تأسیس کند و شعبات متعددی از آن را در داخل و خارج از ایران با مرکزیت مشهد دایر نماید. تجارتخانه کوزه‌کنانی در ردیف تجارتخانه‌های درجه‌اول خراسان در اوایل دوره پهلوی بود. پژوهش حاضر درصدد است به این سؤالات پاسخ دهد که تجارتخانه کوزه‌کنانی در چه زمینه‌هایی فعالیت می‌کرد؟ کوزه‌کنانی چه راهکارهایی برای رونق اقتصادی تجارتخانه‌اش اندیشید؟ و مهم‌ترین چالش‌های تجارتخانه‌اش چه بود؟ تحقیق حاضر تلاش دارد با تکیه بر اسناد و نشریات به شیوه توصیفی-تحلیلی، وضعیت تجارتخانه کوزه‌کنانی را طی دو دهه بررسی کند. این پژوهش نشان داد کوزه‌کنانی در مشهد فعالیت‌های تجاری‌اش را توسعه داد و پس از مسافرت به اروپا و مطالعه، علاوه بر صادرات و واردات، به جنبه‌های تولیدی، کسب امتیازات انحصاری و وارد کردن کارخانه‌های جدید توجه کرد. او برای عملی کردن اهدافش به دنبال دریافت امتیاز انحصاری کارخانه روغن‌کشی، نخریسی، متقال‌بافی، کبریت‌سازی و سدسازی و حتی واردات گوسفند قره‌گل برای تولید پوست رفت و توانست کارخانه‌های پنبه‌پاک‌کنی، سیگارسازی، شکلات‌سازی، تعمیر اتومبیل و ریسمان‌بافی دایر کند. فعالیت‌های او در زمینه‌های مختلف با قوانین پیچیده اداری، سوءاستفاده‌ها و اعمال نفوذ مأموران دولتی همراه شد که موانعی برای پیشرفت فعالیتش ایجاد کردند. با وجود این، تجارتخانه کوزه‌کنانی در زمینه تولید شکلات، سیگار و پوست قره‌گل از پیشگامان اقتصادی بود ولی با مرگ وی، پسرانش به‌جای تولید، بیشتر به صادرات روی آوردند.

کلیدواژه‌ها: تجارت خارجه، صادرات، صنایع جدید، کوزه‌کنانی، مشهد.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند، ایران (نویسنده مسئول)
۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

anajaf@birjand.ac.ir
fboraghi@pnu.ac.ir

مقدمه

مشهد در اوایل دوره پهلوی یکی از کانون‌های فعالیت تجار در شرق ایران بود، زیرا برای تجارت با روسیه، افغانستان و هندوستان موقعیت مناسبی داشت و بسیاری از تجارتخانه‌های این شهر فعالیتشان جنبه بین‌المللی می‌یافت. تجارتخانه برادران رضایوف، برادران حاجی رسول وهاب‌اف، حاج غلامرضا سبزواری، علی درودی، حاجی عبدالحسین طهرانی، حاج علی کازرانی، مشهدی عبدالله تاجر قره‌باغی، حاج محمدکاظم یزدی، حاج محمود هروی، برادران امین‌اف و ملکان هاروطیونیان از جمله تجارتخانه‌های درجه‌اول خراسان بودند. بیشتر این تجارتخانه‌ها ابتدا با روسیه تجارت می‌کردند که با بروز انقلاب ۱۹۱۷م. با مشکل جدی مواجه شدند. در زمان جنگ‌های داخلی روسیه بخش مهمی از اموالشان توسط دولت بلشویکی مصادره شد. بسیاری از تجار ایرانی به خراسان بازگشتند و با استقرار در مشهد به تجارت با اروپا از طریق هندوستان پرداختند. حاجی کاظم کوزه‌کنانی یکی از این تجار بود که پس از مهاجرت به روسیه و طی چهار دهه اقامت در آنجا از طریق تجارت پوست قره‌گل و پنبه، سرمایه هنگفتی فراهم آورد، ولی با تسلط بلشویک‌ها بخشی از اموال و دارایی‌اش در بخارا مصادره شد. او خیلی زودتر از اینکه تمام سرمایه‌اش مصادره شود بخشی از آن را به خراسان منتقل کرد و توانست تجارتخانه بزرگی در مشهد دایر نماید. این پژوهش درصدد است با بررسی منابع دست‌اول نظیر اسناد و نشریات به این سؤالات پاسخ دهد که تجارتخانه کوزه‌کنانی در چه حوزه‌های اقتصادی‌ای فعالیت می‌کرد؟ راهکارهای آن تجارتخانه در سال‌های بحرانی تجارت خارجی ایران چه بود؟ و چه چالش‌هایی در تجارت داخلی و خارجی داشت؟

درباره تجارتخانه کوزه‌کنانی در مشهد تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته‌است. ولی در برخی پژوهش‌ها اشاراتی به آن شده‌است. فائزه فاطمی (۱۴۰۰) در پایان‌نامه بررسی کارکردها و فعالیت‌های تجارتخانه‌های مشهد در عصر پهلوی اگرچه مبحث خاصی به این تجارتخانه اختصاص نداده ولی در مبحث تعاملات آستان قدس با تجارتخانه‌های مشهد به نمونه‌ای از مکاتبات تجارتخانه کوزه‌کنانی درباره خرید موتور برق اشاره کرده‌است. علی نجف‌زاده و جلال قصابی گزکوه (۱۴۰۳) نیز در جلد دوم کتاب تاریخ اقتصادی مشهد (از

دوره ناصری تا انقلاب اسلامی) ضمن معرفی تجار بزرگ مشهد اشاره مختصری به حاج کاظم کوزه‌کنانی داشته ولی چالش‌ها و ابعاد فعالیت او را مورد بررسی قرار نداده‌اند.

پژوهش حاضر به روش پژوهش‌های تاریخی و با استفاده از منابع اسنادی، مطبوعاتی و کتابخانه‌ای به صورت توصیفی-تحلیلی وضعیت تجارتخانه کوزه‌کنانی را بررسی کرده‌است و از اسناد کتابخانه آستان قدس رضوی، اسناد وزارت امور خارجه، اسناد مجلس شورای اسلامی، سازمان اسناد ملی و مطبوعات مشهد استفاده شده‌است تا ابعاد فعالیت اقتصادی این تجارتخانه و چالش‌های آن روشن شود.

مهاجرت خانواده کوزه‌کنانی از روسیه به مشهد

حاج کاظم آقا کوزه‌کنانی علی‌اصغراف یا عسکراف از تجار بزرگ مشهد در اوایل دوره پهلوی، فرزند مشهیدی علی‌اصغر بود. به همین جهت تجارتخانه‌اش در ترکستان به عسکراف معروف بود، ولی از زمان ورودش به مشهد به کوزه‌کنانی شهرت یافت. خاستگاه اولیه او روستای کوزه‌کنان نزدیک تبریز بود ولی در دوره قاجار به روسیه سفر کرد گزارش‌های اواخر دوره قاجار نشان می‌دهد مهاجرت گسترده قانونی از طریق دریافت تذکره و یا غیرقانونی و بدون دریافت تذکره از مناطق شمالی ایران از جمله تبریز به روسیه در حال وقوع بود به طوری که جمعیت مناطق شمالی ایران را کاهش داد (پورمحمدی املشی، رحمانی و خازنی، ۱۴۰۲، ۵۸-۵۷). خانواده کوزه‌کنانی نیز در این زمان به روسیه مهاجرت کرد و طبق ادعای حاج کاظم کوزه‌کنانی او حدود ۴۰ سال در ترکستان به تجارت پرداخت و در سال ۱۳۰۲ ش. پس از وخامت وضع اقتصادی تاشکند به خاطر تسلط بلشویک‌ها به مشهد مهاجرت کرد. در زمان ورودش به ایران از تجار ثروتمندی معرفی شد که اعتباری حدود ۴ میلیون تومان در بانک داشت. او علت مهاجرتش را خدمت به مملکت بیان نمود. به همین جهت از ممالک خارج قطع علاقه کرد. مهاجرتی که در واقع به خاطر انقلاب ۱۹۱۷ م. و ترس از مصادره اموال و املاکش انجام گرفت. با این حال بخشی از سرمایه‌اش را در بخارا از دست داد. او اواخر اسفند ۱۳۰۳ ش. اعلام کرد حکومت بخارا مقدار چهل هزار پوط پنبه نژده و پنج هزار پوط پنبه ماشین شده او را از انبار و اطراف بخارا تصرف کرده‌است (استادوخ، سال ۱۳۰۳، کارتن ۱۶، پوشه ۸۵: سند ۱). حکومت ایران نیز برای بازگرداندن اموال ضبط‌شده

مهاجران در خاک شوروی تلاش‌های دیپلماتیک کرد و با حکومت شوروی مکاتباتی انجام داد (پورمحمدی املشی، رحمانی و خازنی، ۱۴۰۲: ۷۴) ولی در مورد اموال کوزه‌کنانی پیگیری‌های مشاورالممالک، کنسول ایران در تاشکند، به نتیجه نرسید. سفیر ایران در روسیه نیز در ۲ بهمن ۱۳۰۳ ش. پیگیر استرداد اموال کوزه‌کنانی بود (استادوخ، سال ۱۳۰۳، کارتن ۱۶، پوشه ۸۵: سند ۱).

مهاجرت به‌موقع و معامله پست قره‌گل بخارایی با ویدینسکی، کنسول روسیه در تاشکند، به حفظ سرمایه‌اش کمک کرد. طبق گفته‌های سیدحسین خرازی (کیایی) که سال ۱۹۲۳ م. ۱۳۰۲ ش. وکالت تجارتخانه کوزه‌کنانی را در تاشکند برعهده داشت، ویدینسکی با تسلط کمونیست‌ها اموالش را پنهان می‌کرد. ازجمله صد هزار پست قره‌گل بخارایی معروف به «تافر» محرمانه به تجارتخانه عسکراف‌ها سپرد. کوزه‌کنانی این پست‌ها را به لندن حمل کرد و دانه‌ای دو لیره فروخت و همه را بالا کشید و دیناری به ویدینسکی ندادند (فتحی، ۱۳۵۲: ۶۴۶).

کوزه‌کنانی در ابتدای ورودش به ایران، همکاری خوبی با برخی تجارتخانه‌های روسی نظیر سنتروسایوز داشت و به‌خاطر این همکاری در معرض اتهام قاچاق قرار گرفت. انگلیسی‌ها در سال ۱۳۰۵ ش. گزارشی از نقش او در قاچاق کالا ثبت کردند. ازجمله ضمن خرید گندم برای قاچاق از مرز امیدوار به پذیرش رشوه توسط مأموران ایرانی و تسهیل در انتقال کالا از مرز بود (میرزاصالح، ۱۳۸۷: ۲۹۵). اسماعیل منیر مازندرانی، کوزه‌کنانی را متهم به همدستی با آپرسوف ارمنی سرکنسول روسیه در مشهد برای انتقال بیش از دو میلیون قران به‌طور قاچاق به عشق آباد کرد که در آنجا هر صد تومانی به یکصد و سی تومان می‌فروختند، ولی حسین خزاعی، امیر لشکر شرق، ادعاهای منیر مازندرانی را تکذیب و کوزه‌کنانی را یکی از مهم‌ترین و متمول‌ترین تجار خراسان معرفی کرد که در خدمت‌گزاری و ازدیاد عایدات دولت می‌کوشید و خدمات قابل‌تقدیری به دولت و ملت نمود (کمام، ۱۳۹۰-۱۱۷-۱۱-۱۸-۱۲۰-۵).

تجارت کوزه‌کنانی با روسیه امر پنهانی نبود و او به آن افتخار می‌کرد. در چهارمین سال ورودش به ایران اعلام کرد در این مدت مبلغ یک کرویر تومان گمرک اموال خود را به

صندوق دولت واریز کرده و هر سال مقدار زیادی کالا به روسیه می‌فرستاده و در عوض پول به مملکت می‌آورده‌است. او به‌شدت از مأمورین دولتی انتقاد می‌کرد چون به‌جای توسعه و تشویق امور تجاری به گونه‌ای با تجار بیچاره رفتار می‌کردند که انسان از گفتن مطلب شرمسار می‌گردید (کمام، ۱-۴۵-۱۸-۳۴-۶: سند ۷).

شعبات تجارتخانه کوزه‌کنانی

تجارتخانه کوزه‌کنانی در سال ۱۳۰۹ ش. به صادرات انواع پوست، کرک، پشم، پنبه، کنیرا، روده، خشکبار، قالی، مغز بادام، مغز دانه، صمغیات و نباتات طبی و واردات قماش نخی، پشمی، حریرجات، ماشین‌آلات خرازی، قند، چای، ادویه‌جات، نخ کلاف و غیره مشغول بود. این تجارتخانه علاوه بر شعبه اصلی در مشهد، شعبه‌ای در تهران با نماینده تام‌الاختیار و عوامل تجاری در برخی شهرهای دیگر داشت. در تمام بانک‌های داخلی حساب جاری داشت و در خارج از ایران با انگلیس، آلمان، روسیه، لهستان، هندوستان و شانگهای معاملات تجاری مهمی می‌کرد و همه‌جا معروف و شناخته‌شده بود. تمام معاملاتش با سرمایه خود تجارتخانه انجام می‌گرفت و اکثر کالاهای وارده و صادره مختص خود تجارتخانه بود (ساکما، ۲۸۳۳۷/۰۲۹۳: سند ۲۸).

یکی از راهکارهای اقتصادی کوزه‌کنانی تأسیس شعبات مختلف در مناطقی نظیر دزداب (زاهدان)، هرات و کراچی بود؛ امری که بیشتر توسط پسرش خلیل کوزه‌کنانی انجام می‌گرفت. کوزه‌کنانی پس از محدود شدن ارتباط تجاری ایران با روسیه متوجه مسیر هندوستان شد و در سال ۱۳۰۳ ش. تجارتخانه‌اش را در کراچی برپا کرد (ساکماق، ۱۸۲۱۲۹: سند ۱). کوزه‌کنانی همچنین تصمیم گرفت شعبه‌ای از تجارتخانه‌اش را در هرات دایر کند. خلیل کوزه‌کنانی همراه کرم خسروانی برای افتتاح شعبه‌هرات مهرماه ۱۳۰۷ ش. عازم آن شهر شدند (مهر منیر، شماره ۳۸، سال هفتم: ۲) ولی خیلی زود بازگشتند. چون تجارت خارجی متکی به قراردادهای تجاری بود که هنوز بین ایران و افغانستان منعقد نشده‌بود. اموال تجارتخانه شامل پارچه، مال زرعی و بزازی در گمرک هرات توقیف شد (استادوخ، سال ۱۳۰۷ ش، کارتن ۲۶، پوشه ۲۵: سند ۸). بدین‌ترتیب خلیل کوزه‌کنانی و خسروانی بعد از مدتی سرگردانی به مشهد مراجعت کردند، چون مأمور خارجی افغانستان مقیم هرات به

آنان اجازه تجارت نداد (مهر منیر، شماره ۴۱، سال هفتم: ۳).

تجارتخانه کوزه‌کنانی شهریور ۱۳۰۷ش. در فهرست تجارتخانه‌های فعال در زمینه پشم بود که نامش از سوی وزارت امور خارجه برای سرکنسول ایران در هندوستان فرستاده شد (حبلی/متین، شماره ۳۹-۴۰، سال سی و ششم: ۳۱). این تجارتخانه در سال ۱۳۱۱ش. در زمینه تجارت پنبه فعال بود و محصولات اطراف شهر را در کارخانه‌های پنبه پاک‌کنی عدل‌بندی می‌کرد (ساکما، ۲۹۳/۳۰۱۵: سند ۴).

این تجارتخانه همچنین در زمینه واردات دارو فعال بود و دواخانه شاهرضا را سال ۱۳۰۹ش. مقابل باغ ملی تأسیس کرد. ویژگی بارز این دواخانه علاوه بر تازگی و مرغوبیت داروها، فعالیت کارکنان تحصیل‌کرده و دیپلمه از مدارس اروپا و باتجربه بودند. کسانی که از این دواخانه احتیاجات خود را خریداری می‌کردند علاوه بر ارزانی قیمت، مطمئن بودند همان دارو که طبیب دستور داده، به دست می‌آورند (بهار، شماره ۸۸۶: ۴). مؤسسه دوائی سپه مهم‌ترین رقیب کوزه‌کنانی در این بخش بود؛ مؤسسه‌ای که تحت نظر رضا شاه و در ظاهر برای رفاه حال عامه تأسیس شد، ولی در عمل به رقابت با بخش خصوصی می‌پرداخت؛ رقابتی که در ماجرای مناقصه مریض‌خانه امیرحسن خان در طیس در سال ۱۳۱۱ش. آشکار شد. سرهنگ دکتر ذوالفقاری، رئیس مؤسسه دوائی سپه، دواخانه شاهرضا را متهم به فروش داروهای تقلبی و فاسد کرد (ساکماق، ۹۷۲۰۲: سند ۱۹). طبق مکاتبات، مؤسسه دوائی سپه بخش دولتی رقیب جدی بخش خصوصی محسوب می‌شد و تلاش می‌کرد آن را از میدان بیرون کند.

تجارتخانه کوزه‌کنانی کالاهای ساخته‌شده نیز وارد می‌کرد. مثلاً لوازم بیمارستان برای آستان قدس خریداری کرد (ساکماق، ۶۶۸۳۱: سند ۹). همچنین در سال ۱۳۱۰ش.، ۲۰ هزار طاقه متقال به منچستر سفارش داد (ساکما، ۳۱۰/۰۴۷۴۸۷: سند ۴) که تصویب قانون انحصار واردات، آن را با مشکل مواجه کرد.

تجارتخانه کوزه‌کنانی تلاش کرد از امکانات جدید حمل‌ونقل استفاده کند و سرعت جابجایی کالا را با وسایل حمل‌ونقل ماشینی کاهش دهد. ازجمله در مسیر هندوستان-مشهد به‌خاطر کندی حمل‌ونقل پست از وسیله نقلیه سریع استفاده کرد. چون اداره پست

دزداب اموال تجار را طی ۲۵ روز به مشهد می‌رساند. شعبه دزداب تجارتخانه کوزه‌کنانی از وسیله موتوری شخصی استفاده می‌کرد که این فاصله را ۵ روزه طی می‌کرد. انتقال سریع کالا نیز مورد اعتراض برخی از ادارات واقع شد و کالاهای او را قاچاق قلمداد کردند (کمام، ۱۳۴۵-۱۸-۳۴-۶: سند ۷).

کوزه‌کنانی برای حمل‌ونقل در مسیر هندوستان، تجارتخانه کراچی حمل‌ونقل را با نام «حاجی کاظم آقا و پسران علی‌اصغراف» تشکیل داد که با مدیریت و مسئولیت حاجی میرزا علی و پسران اسماعیل‌زاده یزدی فعالیت می‌کرد (مهر منیر، شماره ۴۱، سال ششم: ۱). کوزه‌کنانی در مسیر مشهد و هرات نیز از ماشین استفاده می‌کرد. رضا خان ملت در ۴ دی ماه ۱۳۰۸ ش. نماینده شعبه تجارتخانه خلیل آقای کوزه‌کنانی با اتومبیل از هرات به مشهد می‌آمد (بهار، شماره ۵۹۸، سال دوازدهم: ۲). تلاش کوزه‌کنانی برای استفاده از حمل‌ونقل موتوری، گامی مهم در افزایش سرعت مبادلات تجاری و کاهش مخارج حمل‌ونقل بود و او در این زمینه نیز در بین همکاران خود پیشگام بود.

تلاش برای کسب امتیازات تولیدی

حاج کاظم کوزه‌کنانی مهم‌ترین تاجری بود که پس از کاهش روابط تجاری با روسیه به دنبال تولید داخلی افتاد و تلاش کرد امتیازهایی در این زمینه به دست آورد. او چون تجارت را تنها در صادرات و واردات نمی‌دید به دنبال تولید داخلی رفت و در سال ۱۳۰۳ ش. تقاضای دریافت امتیاز انحصاری کارخانه پارچه‌بافی ایالت خراسان و صدور تخم درمنه داد. این گزارش توسط شعبه تجارتخانه روبرت وانکوهوس کمپانی مقیم مشهد به سفارت آلمان داده شد. علت انعکاس این گزارش هراس از ظهور یک رقیب برای آن تجارتخانه بود. تجارتخانه وانکوهوس ماشین‌های پارچه‌بافی به یکی از اتباع ایرانی فروخته بود و برای فروش ماشین‌های پارچه‌بافی دیگری مشغول مذاکره با تجار مشهد بود. دایر کردن این مؤسسات به کلی آزاد و بدون حق انحصاری بود و اعطای حق انحصاری مانع از توسعه تولید می‌شد. اعطای امتیاز تخم درمنه نیز باعث می‌شد اهالی فقیر کوهستان‌های خراسان که تخم درمنه را با هزاران زحمت جمع‌آوری می‌کردند به‌اجبار در مقابل زحمات سخت خود به یک اجرت خیلی کم قناعت کنند. سفارت آلمان طبق نظر شعبه تجارتخانه وانکوهوس

اعطای این امتیازات را برای توسعه تجارت ایران مضر می‌دانست؛ بنابراین از وزارت امور خارجه ایران خواست برای حفظ منافع تجارتی و توسعه امور صنعتی ایران از اعطای آن جلوگیری کند. وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه ضمن اعلام پاسخ منفی به درخواست‌های حاج کاظم کوزه‌کنانی اعلام کرد در صورتی که امتیاز انحصاری داده شود با رعایت مصالح مملکتی و با تصویب مجلس شورای ملی خواهد بود (استادخ، سال ۱۳۰۳ش، کارتن ۳۹، پوشه ۲: سند ۷).

کوزه‌کنانی با این پیشنهادها مهم‌ترین تاجر-سرمایه‌داری بود که در زمان رکود تجارت خارجی می‌خواست تولید را جایگزین تجارت کند. او از محدود تجاری بود که برای راهاندازی کارخانه به فکر تولید برق از آب افتاد و در مهرماه ۱۳۰۴ش. مهندسی برای بازدید از محل کارخانه تولید برق به اطراف مشهد فرستاد (خورشید، شماره ۴۵، سال دوم: ۳-۲). کوزه‌کنانی سه سال بعد پیشنهاد امتیاز سد فاروب رومان نیشابور را داد و مجلس شورای ملی در ۹ مرداد ۱۳۰۷ش. آن را تصویب کرد. این امتیاز ساخت سدی بود در اراضی خالصه شمال نیشابور برای استفاده از قدرت آب رودخانه به مدت ۴۰ سال که سه درصد عایدات خالص آن باید به خزانه دولت واریز می‌شد (اطلاعات، شماره ۵۴۸، سال سوم: ۱). این تنها و اولین مورد از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه سدسازی خراسان در دوره معاصر است که می‌توانست از طریق تولید برق تحولی شگرف در صنعت ایجاد کند، ولی مشخص نیست چه سرنوشتی پیدا کرد.

کبریت‌سازی یکی دیگر از حوزه‌های موردعلاقه کوزه‌کنانی برای دریافت امتیاز آن بود. کبریت از کالاهای ضروری و موردنیاز خراسان بود که بیشتر از روسیه وارد می‌شد. میرزا محمد دانش بزرگ‌نیا اولین کسی در خراسان بود که امتیاز کارخانه کبریت خراسان را در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۰۷ش. از مجلس شورای ملی گرفت ولی کارخانه‌اش دایر نشد. چنین مجوزی به میلانی و غلام حبشیان نیز داده شد، ولی آن‌ها نیز موفق به تولید کبریت نشدند. با این حال در سال ۱۳۱۰ش. درحالی که قانون انحصار کبریت وجود داشت و واردات از روسیه صورت می‌گرفت، قیمت این کالا خیلی افزایش یافت و به یک بحران تبدیل شد. در چنین شرایطی کوزه‌کنانی در آذرماه ۱۳۱۳ش. تقاضای تأسیس کارخانه کبریت‌سازی در خراسان



کرد. با اینکه کارخانه‌های موجود احتیاجات داخلی را تأمین نمی‌کردند ولی اداره کل صنعت و فلاحت طبق نظر وزارت مالیه با احداث کارخانه جدید موافقت نکرد. چون معتقد بود کارخانه‌های دایر شده و آن‌هایی که اجازه تأسیس یا توسعه گرفته‌اند احتیاجات داخلی را تأمین خواهند کرد. تصور می‌شد علت عدم موافقت با تقاضای امتیاز کوزه‌کنانی به‌خاطر کمی چوب باشد به همین جهت اعلام شد دولت نباید از این حیث نگران باشد، زیرا درخت تبریزی، سپیدار و کبوده (اشن) به حد وفور در اطراف مشهد وجود داشت و کارخانه کبریت‌سازی هر قدر چوب لازم داشت از اطراف مشهد قابل تأمین بود (ساکماق، ۹۹۲۷۹: سند ۳). با وجود این ضرورت امتیاز کبریت‌سازی به کوزه‌کنانی داده نشد.

تأسیس کارخانجات جدید

حاج کاظم کوزه‌کنانی از زمان استقرار در مشهد نیازهای صادراتی و وارداتی خراسان را بررسی کرد. او برای تجارت و مشاهده پیشرفت کشورهای اروپایی و خرید کارخانجات جدید دست به سفری طولانی زد که اخبار آن باعث امیدواری دلسوزان اقتصادی می‌شد (خورشید، شماره ۴۵، سال دوم: ۲). کوزه‌کنانی پس از ۲۰ ماه مسافرت در اروپا روز ۲۱ آذر ۱۳۰۵ ش. به مشهد بازگشت. اقداماتش در این سفر برای بهبودی وضعیت اقتصادی خراسان و تأسیس کارخانجات قابل تحسین بود؛ از جمله کارخانه سیگارپیچی، چراغ برق، ریسمان‌بافی و تعمیر اتومبیل که در نوع خود بی‌نظیر بود، وارد کرد. روزنامه *آزادی* از اقدامات مفید صنعتی حاج کاظم کوزه‌کنانی اظهار مسرت کرد (*آزادی*، شماره ۷، سال دوم: ۴).

روزنامه خورشید قبل از بازگشت کوزه‌کنانی در ۹ مهر ۱۳۰۴ ش.، از خرید کارخانه و ماشین بزرگ سیگارپیچی با تولید روزی یک میلیون سیگار خبر داد که سپس منصرف شد، زیرا صرف‌نظر از فواید اقتصادی از لحاظ اشتغال سنتی تبعات منفی داشت و باعث بیکاری جمع زیادی از جوانان و اطفال می‌شد (خورشید، شماره ۴۵، سال دوم، ۳-۲). این اقدام کوزه‌کنانی از یک سو همسو با سیاست‌های توسعه‌گرای پهلوی اول در حوزه اقتصادی بود و از سوی دیگر در راستای سیاست اشتغال‌زایی و کاهش فقر پهلوی اول بود (بختیاری، اصلاحی، ۱۴۰۳: ۵۶ و ۶۴). با این حال او کارخانه سیگارپیچی کوچک‌تری را در سال ۱۳۰۵ ش. خرید (*آزادی*، شماره ۷، سال دوم: ۴) و تولید آن را تعدیل کرد. کارخانه

سیگارسازی که از هامبورگ آلمان وارد کرد دارای دو دستگاه ماشین مفصل و قوی توتون‌بری از آخرین سیستم، چهار دستگاه ماشین سیگار پرکنی (سیگار مشتوک‌دار) و یک دایره مفصل قوطی‌سازی و مقواسازی بود. کلیه این ماشین‌آلات به وسیله برق کار می‌کردند و در سال ۱۳۰۹ش. یک بار به‌طور آزمایشی به راه افتاد ولی به‌خاطر نداشتن مکانیک متخصص خیلی زود تعطیل شد (ساکما، ۱۳۴۰/۰۹۲۹۰۴: سند ۳۸).

کارخانه سیگارپیچی کوزه‌کنانی با نام طلوع شرق بار دیگر در سال ۱۳۱۲ش. تحت کنترل اداره انحصار دخانیات شروع به فعالیت کرد. کارخانه‌ای با ماشین‌های متعدد سیگارپیچی و توتون‌بری که انتقال آن‌ها به انبار دخانیات مقدور نبود (ساکما، ۱۳۴۰/۰۹۲۹۰۴: سند ۳۸) و کوزه‌کنانی آقا بزرگ امجدی را برای حضور دائم در کارخانه جهت نظارت استخدام کرد و حقوق ماهیانه ۲۱ تومان به او پرداخت (ساکما، ۱۳۴۰/۰۹۲۹۰۴: سند ۴۰).

کوزه‌کنانی برای تولید سیگارهای معطر و خوب از سامسون ترکیه توتون وارد کرد تا دیگر لازم نباشد ایرانیان سیگار معطر خارجه را هزاری ۱۰ تومان خریداری و مصرف کنند (آزادی، شماره ۷، سال دوم، ۴). کارخانه سیگار طلوع شرق علاوه بر این سیگار برگ تولید می‌کرد (مدرس رضوی و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۷؛ ساکماق، ۱۴۴۱۵۹: سند ۱). کوزه‌کنانی برگ توتون را از گیلان و آذربایجان وارد می‌کرد (ساکما، ۱۳۴۰/۰۵۴۵۲۵: سند ۵). فلسفه واردات مواد اولیه و تبدیل آن به کالایی با ارزش اقتصادی بیشتر مهم‌ترین مرحله از فعالیت اقتصادی است که علاوه بر اشتغال‌زایی از واردات محصولات خارجی جلوگیری می‌کرد و زمینه‌ساز صادرات بود.

یکی دیگر از اقدامات حاج کاظم کوزه‌کنانی برای افزایش تولید وارد کردن مولد تولید برق بود؛ مولدی که می‌توانست تا دوازده هزار چراغ، برق تولید کند. این مولد برق نقش اساسی برای صنایع ماشینی داشت ولی او در دی‌ماه ۱۳۰۹ش. دستگاه ماشین چهارسیلندر با دینام ۲۲۰ ولت را به آستان قدس فروخت (ساکماق، ۱۳۴۸۴: سند ۶).

شکلات‌سازی گلزار یکی دیگر از کارخانه‌های مهم و منحصربه‌فرد کوزه‌کنانی بود. او با توجه به بازار مصرف از حدود سال ۱۳۱۱ش. کارخانه‌ای برای تولید شکلات در مشهد تأسیس کرد؛ کارخانه‌ای که دارای ماشین فشار، روغن‌گیری، ماشین طبخ، دستگاه تجزیه و

مقدار زیادی مواد اولیه لازم بود و محصولاتش با بهترین شکلات‌های اروپا برابری می‌کرد. این کارخانه در سال ۱۳۱۳ش. روزانه حدود ۵۰ مَن شکلات از همه رقم تولید می‌کرد و ظرفیت تولید روزانه حدود یک خروار داشت. مرکز فروش محصولات آن در مشهد مغازه شکلات و دواخانه شاهرضا (خیابان پهلوی) و در تهران مغازه زنبورعسل بود (مدرس رضوی و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۷). طبق تبلیغات این شکلات در فروردین ۱۳۱۸ش.، کارخانه شکلات‌سازی مشهد اولین کارخانه شکلات‌سازی ایران بود (اطلاعات، شماره ۳۸۰۵: ۹).

یکی دیگر از اقدامات کوزه‌کنانی ایجاد کارخانه ریسمان‌تابی یا نخ‌تابی بود که قادر بود روزی سه خروار پنبه را ریسمان کند و روزی شصت توپ متقال تولید نماید. این کارخانه در ارتباط با کارخانه پنبه‌پاک‌کنی کوزه‌کنانی در خارج دروازه ارگ مشهد بود که پنبه را برای صادرات عدل‌بندی و برای نخ‌تابی آماده می‌کرد (ساکما، ۱۳۰۱/۳۹۳: سند ۶).

کارخانه تعمیر اتومبیل و سایر ماشین‌آلات یکی دیگر از تأسیسات مفید کوزه‌کنانی بود که در خارج دروازه ارگ تأسیس شد و در آن هر نوع ماشین شکسته یا آلات موتور تعمیر می‌شد و دیگر احتیاجی به ارسال آن‌ها به خارج از کشور نبود (آزادی، شماره ۷، سال دوم: ۴). این اقدام هم‌زمان با افزایش ورود اتومبیل به ایران و مشهد انجام گرفت و چون هنوز تعمیرگاهی در شرق کشور وجود نداشت، بسیار حائز اهمیت بود. اقدامات صنعتی کوزه‌کنانی متکی بر سرمایه فردی بود که با کمک دو پسرش خلیل و اسماعیل انجام گرفت و باعث امیدواری دولت و مردم شد و تشویق و ترویج کارخانجات ایشان می‌توانست دیگران را نیز به شوق آورد و باعث ایجاد و احیاء صنایع گردد (آزادی، شماره ۷، سال دوم: ۴).

از آنجاکه تجارتخانه کوزه‌کنانی در زمینه صادرات و واردات فعالیت می‌کرد برای رونق دادن به صادرات به‌ویژه در زمینه خشکبار، درخواست وارد کردن یک دستگاه ماشین سبزه پاک‌کنی برای نصب در ترشیز (کاشمر) کرد. او در ۲۶ شهریور ۱۳۱۱ش. از اداره کل تجارت جواز ورود این دستگاه با معافیت از صدور نمود. هیئت‌وزیران نیز با این پیشنهاد موافقت کرد (ساکما، ۱۳۰۱/۴۷۴۸۰: سند ۲). وارد کردن این دستگاه صادرات خشکبار را تسهیل و سودآور می‌کرد. صورت کالاهای تجارتخانه کوزه‌کنانی از دفتر گمرک باجگیران در شهریور ۱۳۱۹ش. تعداد ۱۴۶۰۶ عدل یا جعبه خشکبار با وزن ۱۱۸۵۷۵ کیلو نشان می‌دهد (ساکما، ۲۰۷۵۴/۲۴۰: سند ۲۲۹).

فعالیت در زمینه دام‌پروری و کشاورزی

تجارتخانه کوزه‌کنانی علاوه بر تجارت و کارخانه‌داری وارد عرصه دام‌پروری و کشاورزی شد. صادرات پوست قره‌گل یکی از حوزه‌های مهم فعالیت تجارتخانه عسکراف در روسیه بود. کوزه‌کنانی براساس تجربه تصمیم گرفت در سرخس که از مناطق مهم پرورش گوسفند در خراسان بود، نژاد گوسفند قره‌گل پرورش دهد. با این هدف، املاکی در آنجا خرید و در سال ۱۳۱۰ ش. تعداد ۱۲۰۰ رأس گوسفند نژاد بخارایی وارد ایران و در قره بغیو نگهداری کرد به‌طوری‌که هر سال مقدار زیادی پوست اعلی از آن به‌دست می‌آورد و هر جلدی تا ۱۲ تومان به فروش می‌رسید. او سه سال بعد تصمیم گرفت این طرح بزرگ اقتصادی‌اش را با وارد کردن گوسفند از اندخوی افغانستان توسعه دهد. در همین راستا به اداره کل صنعت و فلاحت پیشنهاد داد تا پنج هزار گوسفند برای تهیه پوست وارد کند و طی چند سال پوست قره‌گل مثل ترکستان تولید و به صادرات ایران کمک کند (ساکما، ۱۳۱۰/۲۵۲۴۶: سند ۲). کوزه‌کنانی صادرات پوست را از طریق تولید دنبال کرد نه از تجارت و حق‌العمل‌کاری. او با این هدف مزرعه بغیو را به انضمام مزارع کلاته حاج محمدعلی، بند شاه‌محمد و سه‌کوته، سیخوری و چاه ازبک در سرخس خرید (ساکما، ۱۳۱۴۷: سند ۱) و در آنجا به پرورش گوسفند قره‌گل پرداخت.

کوزه‌کنانی از اوایل دوره پهلوی با اجاره قسمتی از اراضی الندشت از آستان قدس باغ بزرگی به‌وجود آورد (ساکما، ۱۳۲۳: سند ۳). او همچنین قصد داشت ۳۰ هزار ذرع از اراضی باغ مستوفی را اجاره کند (ساکما، ۱۳۲۴: سند ۸). یکی از چالش‌های کوزه‌کنانی در این اراضی استیجاری، کمبود آب بود، ولی او از تاجران پیشگامی بود که با توجه به مسافرت‌های خارجی و آشنایی با تکنولوژی برای غلبه بر این مشکل گام مهمی به‌طور شخصی برداشت (ساکما، ۱۳۲۴۵۷: سند ۲۰). و در سال ۱۳۰۷ ش. تصمیم به حفر چاه نیمه‌عمیق گرفت (ساکما، ۱۳۶۷۷: سند ۱). کوزه‌کنانی و پسرانش براساس علاقه‌مندی هرچه توانسته بودند برای آبادی، عمران و غرس اشجار مثمره در اراضی آستان قدس و در اراضی ملکی اقدام کرد که باغ استانداری نمونه آن بود. آن‌ها درختانی را از خارج آوردند ولی نتوانستند از این زحمات استفاده ببرند (ساکما، ۱۳۸۲۵۰: سند ۲).



اجارهٔ املاک موقوفه در هرات یکی دیگر از اقدامات کوزه‌کنانی در حوزهٔ کشاورزی بود. او در ۲۸ تیر ۱۳۱۰ ش. پیشنهاد اجارهٔ ۱۸ قطعه املاک، مزارع و مستغلات آستان قدس در هرات با سالی ۳۵۰۰ تومان مال‌الاجاره داد (ساکماق، ۹۴۱۵۳: سند ۱۶۶) و در نهایت پس از برگزاری مزایده برای مدت شش سال املاک و مستغلات هرات را به مبلغ سالیانه ۳۰ هزار تومان اجاره کرد (اسناد موقوفات آستان قدس رضوی در هرات، ۱۳۷۸: ۶۷-۶۶). ولی این فعالیتش نیز مثل دایر کردن تجارتخانه‌اش در هرات، قربانی مسائل روابط خارجی ایران و افغانستان شد. حکومت هرات نماینده آن تجارتخانه را اجازه توقف و اقامت در هرات نداد و رقبات موقوفه بلا تکلیف ماند (ساکماق، ۹۴۱۵۳: سند ۱۰۲). کوزه‌کنانی سپس مجبور شد این املاک استیجاری را به دوست‌محمدخان ایماق که مورد اعتماد تجارتخانه‌اش بود، واگذار کند (ساکماق، ۹۴۱۵۳: سند ۴۱).

حضور کوزه‌کنانی در نهادهای اقتصادی و شرکت‌های سهامی

حاج کاظم کوزه‌کنانی پس از ورود به مشهد خیلی زود به تاجری تأثیرگذار تبدیل شد. روزنامه *آزادی* در ۲۴ اسفند ۱۳۰۴ ش. او را در ردیف سبزواری، کارزانی و وهاب‌اف به‌عنوان تاجر مورد اعتماد عامه نام برد (آزادی، شماره ۲۱، سال اول: ۱ و ۲). او حتی به برخی از تجار برای جلوگیری از ورشکستگی کمک می‌کرد. از جمله پانزده هزار تومان به‌عنوان اعانه برای حاجی محمدحسن صراف که ورشکست شده بود، از بانک شاهی قرض کرد (مهر منیر، شماره ۱۶، سال ششم: ۳). منزلش به مکانی معتبر برای حضور بزرگان مشهد تبدیل شد. بنا به نوشته روزنامه مهر منیر شایستگی ریاست تجار خراسان را داشت. به همین مناسبت او روز ۱۷ مهر ۱۳۰۶ ش. از عموم تجار ایرانی و قفقازی و مأمورین ادارات دولتی ایران و دولت ساویتی روسیه برای شرکت در جشن امضای قراردادهای بین دولترین دوست همجوار ایران و روسیه، دعوت کرد (مهر منیر، شماره ۳۶، سال ششم: ۲).

حاج کاظم کوزه‌کنانی شخصیتی سیاسی نبود ولی آن‌قدر صاحب‌نفوذ و مورد اعتماد بود که در خرداد ۱۳۰۷ ش. هم‌زمان با انتخابات مجلس شورای ملی یکی از خیرخواهان ایران از تجار او را لایق کاندیداتوری معرفی کرد (مهر منیر، شماره ۱۷، سال هفتم: ۴). تجارتخانه کوزه‌کنانی در سرای محمدیه، یکی از شش مکان در نظر گرفته‌شده برای انتخابات سال

۱۳۰۸ ش. اتاق تجارت مشهد بود (آزادی، شماره ۳۰، سال چهارم: ۲). حاج کاظم کوزه‌کنانی با توجه به موقعیتش در انتخابات اتاق تجارت مشهد در سال ۱۳۱۳ ش. شرکت کرد و از بین ۱۳۵ نفر داوطلب نفر اول شد (سید قطبی، ۱۴۰۱: ج ۱۸، ۵۵۰)، ولی در مرحله دوم انتخاب نشد. بعد از او پسرش عضو این نهاد اقتصادی شد.

از آنجاکه فعالیت اقتصادی کوزه‌کنانی با پسرانش مشترک بود، سهامداری آن‌ها در ارتباط با همدیگر بود. کوزه‌کنانی بزرگ‌ترین سهامدار شرکت سهامی تجارتی خراسان بود، زیرا ۱۰۰ سهم از ۹۵۵ سهم را در اختیار داشت (ساکماق، ۹۹۱۳۶: سند ۱۱). هم‌چنین ۳۰۰ سهم از شرکت نخ‌ریسی و نساجی خسروی خراسان به وی تعلق داشت. چون شرکت سهامی تجارتی خراسان با ۱۰۰۰ سهم یک‌دوازدهم کل سهام شرکت نخ‌ریسی خسروی را در اختیار داشت و کوزه‌کنانی سهامدار اصلی آن بود، باید او را از بزرگ‌ترین سهامداران شرکت نخ‌ریسی خسروی قلمداد کرد.

حاج کاظم کوزه‌کنانی با سرمایه‌گذاری خصوصی توانست محصولاتی ارزنده‌ای تولید کنند. تولیدات آن فراتر از مشهد بود و حضور او در نمایشگاه‌ها نمایانگر موفقیتش بود. مثلاً تجارتخانه کوزه‌کنانی در نمایشگاه تهران سال ۱۳۱۳ ش. ۲ قفسه از ۸ قفسه کالاهای خراسان را برای اقسام شکلات و انواع سیگار در نظر گرفت (ساکماق، ۹۹۱۳۴: سند ۱۲). کوزه‌کنانی در اولین نمایشگاه کالاهای وطنی خراسان در سال ۱۳۱۳ ش. نیز حضوری پررنگ داشت. دو غرفه از ۳۴ غرفه این نمایشگاه متعلق به کوزه‌کنانی بود: غرفه مخصوص سیگار طلوع و غرفه انواع شکلات، کاکائو و کره کاکائوسازی (ساکماق، ۶۸۵۱۷: سند ۱۱).

فعالیت‌های خیریه کوزه‌کنانی

کوزه‌کنانی در امور خیریه مشهد نقش مؤثری داشت. از جمله اقدامات شاخص او ساخت بنای مجهزی برای مجانبین بود. دارالمجانبین قدیم مشهد در محدوده ارگ کوچه دیوانخانه بود. از آنجاکه کارخانجات و سپس عمارت کوزه‌کنانی در آن محدوده ساخته شد او در سال ۱۳۰۵ ش. حاضر شد برای تغییر دارالمجانبین و ساخت بنایی جدید کمک قابل‌توجهی بکند (ساکماق، ۶۴۱۱۳: سند ۴). اگرچه تأمین بهداشت و درمان فقرا از دغدغه‌های دولت پهلوی بود و در نظام‌نامه بلدیة چنین وظیفه‌ای را گنجانده بود (بختیاری و اصلاحی، ۱۴۰۳: ۶۲)



ولی اشخاصی نظیر کوزه‌کنانی نیز به‌طور مستقل چنین اقدامات خیریه‌ای انجام می‌دادند.

حاج کاظم کوزه‌کنانی قبل از مرگش وصیت کرد مبلغ سیصد هزار ریال از دارایی‌اش را جهت صرف خیرات و مبرات اختصاص دهند. قربانعلی آذریان، مدیر دبستان آذربایجان، با شنیدن این خبر طی نامه‌ای به وراث کوزه‌کنانی تقاضای مساعدت برای اتمام ساختمان بنای حیطة حاجی کربلایی علی کرد. تجارتخانه کوزه‌کنانی مبلغ ۱۰ هزار ریال به این منظور کمک کرد. همچنان‌که در سایر امور خیریه از قبیل ساخت دبستان شرق و کمک به فقرا کوتاهی نکرده بود (ساکما، ۳۵۶۴۹-۳۱۰: سند ۴۸ و ۲۴).

مهم‌ترین حضور حاج کاظم کوزه‌کنانی در فعالیت‌های اجتماعی مشهود شرکت در انتخابات انجمن شهرداری در سال ۱۳۱۲ش. بود که با ۱۸۰ رأی نفر سی و ششم شد (آزادی، شماره ۶۳۹: ۱). خلیل کوزه‌کنانی نیز در انتخابات انجمن شهرداری شرکت کرد و دو دوره با کسب رأی انتخاب شد. او در انتخابات سال ۱۳۱۱ش. نفر چهل و چهارم و در انتخابات سال ۱۳۱۸ش. نفر هفتم شد (آفتاب شرق، شماره ۱۱۷۶: ۴). حاج کاظم کوزه‌کنانی روز ۱۵ مرداد ۱۳۱۶ش در تهران درگذشت (شهامت، شماره ۲۲۷، سال نهم: ۱) و پس از آن پسرانش خلیل و اسماعیل با عنوان تجارتخانه حاج کاظم کوزه‌کنانی و پسران فعالیت او را ادامه دادند.

فعالیت‌های اقتصادی پسران کوزه‌کنانی

فعالیت اقتصادی حاج کاظم کوزه‌کنانی به‌صورت خانوادگی همراه دو پسرش خلیل آقا و اسماعیل آقا انجام می‌گرفت و آنان پس از مرگ او تجارتخانه‌اش را اداره کردند. دومین چهره اقتصادی این خانواده، خلیل علی‌اصغرزاده یا خلیل کاظم‌اف بود که در سال ۱۳۰۲ش. با انگلستان و آمریکا تجارت گسترده‌ای داشت (ستاد ارتش هند انگلیس، سیستان و قایانات، ۱۳۹۸: ۶۲). خلیل کوزه‌کنانی همچون پدرش شخصیت سیاسی نداشت، ولی به دلیل شرایط دوره پهلوی، دچار ناملایماتی شد و گرفتار زندان شهربانی گردید. شوشتری درباره زندگی او نوشته: «در همان اوقات (قبل از سال ۱۳۱۴ش.) آقای خلیل کوزه‌کنانی تاجر (فرزند مرحوم حاجی کاظم کوزه‌کنانی رحمت‌الله علیه) را اداره شهربانی دستگیر و توقیف کرد. جرمی را که

به او نسبت می‌دادند این بود که نامبرده و پدرش جواهرات زیادی از خارجه وارد ایران کرده‌اند. خلاصه آنکه باید از این نمد کلاهی به سر آیرم (رییس کل شهربانی) و رابط گذارده شود» (شوشتری، ۱۳۹۹: ۸۹).

احتمالاً حاج کاظم کوزه‌کنانی به‌خاطر کهولت سن کمتر وارد اتحادیه‌ها و تشکلهای مربوط به تجار می‌شد ولی پسرش خلیل آقا به‌جای او حضوری فعال در این مجامع داشت و نزدیک به دو دهه، عضو اتاق تجارت مشهد بود. او در خرداد ۱۳۰۸ ش. (آزادی، شماره ۳۰، سال چهارم: ۲) و سال‌های ۱۳۱۰ ش.، ۱۳۲۱ ش.، ۱۳۲۳ ش. و ۱۳۲۶ ش. رأی آورد (نجف‌زاده، ۱۴۰۳: ۶۴-۷۲) و حضوری پیوسته و طولانی در اتاق تجارت و بازرگانی مشهد داشت.

خلیل کوزه‌کنانی از مؤسسان شرکت ترویج امتعه وطنی در سال ۱۳۰۶ ش. بود (مهر منیر، شماره ۴۱، سال ششم، ۱). او همچنین از سهامداران شرکت سهامی پوست‌های نرم خراسان بود که در اواخر خرداد ۱۳۱۵ ش. عضو هیئت‌مدیره آن شد (آزادی، شماره ۱۱۲۷: ۱). کوزه‌کنانی در زمینه تجارت قند نیز فعال بود و از سهامداران و اعضای هیئت‌مدیره شرکت سهامی قند و شکر خراسان بود و در اردیبهشت ۱۳۱۶ ش. عضو هیئت‌مدیره آن شد (آفتاب شرق، شماره ۶۵۰: ۱). خلیل کوزه‌کنانی همچنین از سهامدار و عضو هیئت‌مدیره شرکت سهامی کالای خراسان بود که در فروردین ۱۳۱۶ ش. تشکیل شد. او همچنین بزرگ‌ترین سهامدار شرکت روستایی بود که شهریور ۱۳۱۷ ش. توسط عده‌ای از مالکین و تجار با هدف کمک به روستائیان تأسیس شد (آزادی، شماره ۱۲۶۵: ۱).

برادران کوزه‌کنانی با وجود سهامداری در برخی شرکت‌های بزرگ، بیشتر در قالب تجارتخانه خصوصی فعالیت می‌کردند. آنان در اردیبهشت ۱۳۱۷ ش. شرکت تضامنی حاج کاظم کوزه‌کنانی را به‌منظور خرید و فروش و صدور کلیه مال‌التجاره‌های مجاز حق‌العمل‌کاری تأسیس کردند (آفتاب شرق، شماره ۹۸۴: ۲). شرکتی که در سرای محمدیه مشهد مستقر بود و بیشتر در زمینه تجارت خارجی، صادرات خشکبار و پشم فعالیت می‌کرد. ازجمله در سال ۱۳۱۸ ش. در زمینه صادرات کشمش به هامبورگ آلمان فعال بود (ساکماق، ۱۲۸۸۶۶: سند ۱۵) که با انجام نشدن قسمتی از تعهدات ارزی باعث چالشی مالی شد (ساکماق، ۱۳۹۳۴۳: سند ۴).

شرکت تضامنی خلیل و اسماعیل کوزه‌کنانی نیز در زمینه صدور پشم فعال بود و در ۳۰ شهریور ۱۳۲۰ ش. مجوز صدور ۳۵۰ تن پشم بهاره محصول خراسان به اتحاد جماهیر شوروی را دریافت کرد (ساکما، ۱۱۶۳۷/۲۴۰: سند ۲۷)، ولی بر اثر معامله پشم با دولت دچار خسارت شد. به‌طوری‌که مجبور به فروش انبارهای ملکی محل کارخانه سیگارسازی شدند. این شرکت به دلیل فعالیت در حوزه پنبه و منسوجات ارتباط تجاری بیشتری با کارخانه نخ‌ریسی و نساجی خسروی داشت و در ۱۲ آبان ۱۳۱۹ ش. برای خرید فراورده‌های آن کارخانه اعلام آمادگی کرد (ساکماق، ۱۴۰۴۸۵: سند ۱۰). این تجارتخانه در زمینه واردات پنبه از افغانستان نیز فعال بود. ازجمله در بهمن ۱۳۲۳ ش. قصد فروش ۲۵۰ تن پنبه آمریکایی افغانستان به شرکت سهامی نخ‌ریسی و نساجی خسروی خراسان داشت. خلیل کوزه‌کنانی حتی پیشنهاد تبدیل آن پنبه‌ها به نخ و پارچه را داد (ساکماق، ۱۴۵۸۱۳: سند ۹).

پسران حاج کاظم کوزه‌کنانی پس از شهریور ۱۳۲۰ ش. فعالیت‌های تجاری خود را به تهران منتقل کردند ولی نتوانستند دوره طلایی فعالیت پدرشان را ادامه دهند و در زمینه تولید رویکردی متفاوت در پیش گرفتند و کارخانه‌های تولیدی را فروختند. کارخانه شکلات‌سازی گلزار را در سال ۱۳۱۶ ش. به قنادی اتحادیه و کارخانه سیگارسازی را در سال ۱۳۱۸ ش. به املاک اختصاصی فریمان فروختند (ساکماق، ۱۴۴۱۵۹: سند ۱). قریه بغوغو، بند شاه، مزرعه کلاته حاجی محمدعلی و سه کوته را در ۲۰ آبان ۱۳۲۳ ش. به آستان قدس فروختند که ضمیمه املاک سرخس شد (احتشام کاویانیان، ۱۳۵۵: ۵۷۰). آنان پرورش گوسفند قره گل را کنار گذاشتند و به تجارت رو آوردند که نتیجه پایداری نداشت.

عمارت اراضی الندشت از ۱۵ دی ۱۳۱۳ ش. به مدت ۵ سال توسط شهرداری اجاره شد و استانداری خراسان به آنجا منتقل گردید. عمارتی مجلل و بی‌نظیر در مشهد که توسط والی خراسان مناسب استانداری تشخیص داده شد ولی کوزه‌کنانی حاضر به فروش نشد (ساکما، ۳۱۰/۰۲۲۱۴۱: سند ۲). این عمارت بالاخره در ۳۰ خرداد ۱۳۲۱ ش. توسط علی منصور نایب‌التولیه آستان قدس خریداری شد و به باغ استانداری معروف شد (مولوی، ۱۳۵۳: ۳۰۱/۴). معامله‌ای که خلیل کوزه‌کنانی از آن ناراضی بود و یک دهه بعد درباره آن نوشت: «یک میلیون باغ و عمارت استانداری را به شصت و چند هزار تومان تقدیم آستان قدس

نمودیم». در این معامله هشت هزار متر زمین درختکاری‌شده از قرار متری هفت ریال و ۵۰ دینار معامله شد (ساکماق، ۱۱۰۹۸۴: سند ۱). خلیل کوزه‌کنانی بعد از واگذاری باغ استانداری قصد داشت یک باغ دو هکتاری در اراضی الندشت و یک باغچه پنج هزارمتری در راه کوه‌سنگی ایجاد کند ولی آستان قدس با آن موافقت نکرد (ساکماق، ۱۱۸۲۵۰: سند ۲). عمارت کوزه‌کنانی در محله چهار باغ که در سال ۱۳۲۸ ش. به کنسولگری آمریکا اجاره داده شد سپس به فروشانی‌ها فروخته شد که اکنون حسینی‌فروشان‌هاست. خلیل کوزه‌کنانی از تجار درجه‌اول و خوشنام و خیر خراسان، در اوایل فروردین ۱۳۴۱ ش. درگذشت (ناطق خراسان، شماره ۵۰۲: ۲). با وجود مرگ کوزه‌کنانی هنوز آثاری از او در مشهد باقی مانده که باعث حفظ آوازه‌اش شده‌است. از کوزه‌کنانی در مشهد کنونی خاطراتی از منزلش در کوچه چهارباغ، عمارت استانداری و کارخانه سیگارسازی‌اش در ذهن‌ها باقی مانده‌است.

نتیجه‌گیری

حاج کاظم کوزه‌کنانی یکی از تجار مهاجر از روسیه در آخرین سال‌های دوره قاجار بود که همراه با دو پسرش خلیل و اسماعیل، «تجارتخانه کوزه‌کنانی» را در مشهد تأسیس کردند؛ تجارتخانه‌ای که در دوره پهلوی اول به یکی از بزرگ‌ترین تجارتخانه‌های خراسان تبدیل شد. با اینکه بخش قابل‌توجهی از اموالش در بخارا مصادره شد ولی مهاجرت به‌موقع از روسیه توانست بخش مهمی از ثروتش را در مقابل مصادره بلشویک‌ها حفظ کند. تجارت در خراسان مقارن ورود کوزه‌کنانی بیشتر متکی بر صادرات مواد خام و واردات کالاهای ساخته شده بود. کوزه‌کنانی مسیر جغرافیایی تجارتش را از روسیه به هندوستان تغییر داد و از وسایل نقلیه ماشینی را جایگزین حمل‌ونقل سنتی کرد. مهم‌ترین اقدام کوزه‌کنانی تبدیل تجارت به تولید بود. در این راستا در سال ۱۳۰۲ ش. سفر طولانی ۲۰ ماهه‌ای به اروپا کرد. سفری که بر تغییر دیدگاهش نسبت به شرایط اقتصادی مشهد مؤثر بود و او را به چهره‌ای متفاوت از تجار سنت‌گرا که از مشهد خارج نمی‌شدند، تبدیل کرد. از سوی دیگر او در شرایط سخت اقتصادی پس از جنگ جهانی اول که ایران کاملاً وابسته به واردات محصولات صنعتی بود، کارخانه‌های متعددی خرید و به تولید محصولات پرداخت که بازار مصرف داشت. موقعیت‌سنجی او در تغییر گرایش از تجارت و حق‌العمل‌کاری به تولید یکی

دیگر از عوامل موفقیتش بود. کوزه‌کنانی برای تثبیت موفقیتش به دنبال کسب امتیاز انحصاری تولید در برخی زمینه‌ها رفت، ولی امتیاز تولید پارچه، تجارت درمنه و کبریت‌سازی به او داده نشد. با این حال او به فعالیت‌هایش تنوع بیشتری داد. تنوع‌بخشی به فعالیت اقتصادی از صادرات و واردات کالاهای مختلف، ایجاد شعبات متعدد در داخل و خارج و تسهیل حمل‌ونقل از دیگر عوامل مؤثر بر موفقیت این تجارتخانه بود. حاج کاظم کوزه‌کنانی در تولید پوست قره‌گل، سیگار، شکلات، ریسمان‌بافی و تعمیرگاه اتومبیل به فعالیت خود ادامه داد. او تولید برق را به عنوان اساس صنایع جدید مورد توجه قرار داد و برای اولین بار موفق به اخذ امتیاز سدسازی در خراسان شد. او با وارد کردن دستگاه‌های تولید برق توانست کارخانه سیگارسازی، تولید شکلات، تعمیرگاه اتومبیل و پنبه پاک‌کنی و ریسمان‌بافی دایر کند و به مهم‌ترین تاجر مقیم خراسان تبدیل شود که علاوه بر صادرات و واردات راه تولید را برگزید و سرمایه‌گذاری کلانی در این حوزه‌ها انجام داد. توجه به تولید در زمینه‌های خاص و منحصربه‌فرد اثر مثبتی بر موفقیت تجارتخانه‌اش گذاشت.

موفقیت اقتصادی کوزه‌کنانی به‌خاطر ارتباط با دولت یا مأموران دولتی نبود. بلکه بالعکس بیشتر از سوی مأموران دولتی مورد سوءاستفاده قرار گرفت. اتهام قاچاق در تجارت با روسیه بلشویکی، اخاذی توسط شهربانی مشهد، مانع‌تراشی اداره پست در حمل‌ونقل سریع کالا با اتومبیل شخصی، مشکلات تجارت خارجی با افغانستان به‌خاطر عدم وجود قرارداد رسمی با ایران، رقابت مؤسسه دوابی سپه وابسته به دربار با دواخانه شاه‌رضا، فقدان متخصص فنی برای راه‌اندازی کارخانه سیگارسازی، اجرای قانون انحصار تولید سیگار، و طمع شهرداری و استانداری به باغ استاندار چالش‌های متعددی بود که کوزه‌کنانی پشت سر گذاشت. با وجود این، در زمان حیات کوزه‌کنانی، تجارتخانه‌اش پررونق بود، ولی پس از مرگ وی، پسرانش به‌جای تولید بر تجارت متمرکز شدند که تأثیر زیادی بر ورشکستگی آنان پس از شهریور ۱۳۲۰ ش. داشت. آنان به‌تدریج تولید را کنار گذاشته و کارخانه‌ها و املاک کوزه‌کنانی را فروختند و به تهران کوچ کردند.

جدول گاه‌نگاری فعالیت تجارخانه کوزه‌کنانی

سال	فعالیت اقتصادی و اجتماعی
۱۳۰۲	مهاجرت کوزه‌کنانی از بخارا به مشهد تجارت پوست قره‌گل
۱۳۰۳	تأسیس تجارخانه کراچی تلاش برای کسب امتیاز انحصاری پارچه‌بافی
۱۳۰۴	اعزام مهندس برای مطالعه سدسازی
۲۱ آذر ۱۳۰۵	بازگشت از سفر ۲۰ ماهه اروپا خرید کارخانه سیگارپیچی
۱۳۰۷	حفر چاه عمیق در باغ استانداری تلاش برای تأسیس تجارخانه هرات کسب امتیاز سد فارون رومان نیشابور
۱۳۰۸	
۱۳۰۹	تأسیس دواخانه شاهرضا راه‌اندازی آزمایشی کارخانه سیگارپیچی طلوع شرق
۱۳۱۰	وارد کردن گوسفند قره‌گل از افغانستان اجاره املاک موقوفه هرات
۱۳۱۱	تقاضای امتیاز تأسیس کارخانه کبریت‌سازی تأسیس کارخانه شکلات گلزار
۱۳۱۲	درخواست وارد کردن ماشین سبزه‌پاک کنی راه‌اندازی مجدد کارخانه سیگارپیچی طلوع شرق شرکت در انتخابات انجمن شهر مشهد
۱۳۱۳	شرکت در انتخابات اتاق تجارت مشهد
۱۵ مرداد ۱۳۱۶	مرگ حاج کاظم کوزه‌کنانی در تهران فروش کارخانه شکلات گلزار
۱۳۱۷	تأسیس شرکت تضامنی حاج کاظم کوزه‌کنانی توسط پسرانش
۱۳۱۸	فروش کارخانه سیگارپیچی طلوع شرق
۳۱ خرداد ۱۳۲۱	فروش باغ استانداری
۲۰ آبان ۱۳۲۳	فروش املاک بغیغو و سه کوتاه
فروردین ۱۳۴۱	فوت خلیل کوزه‌کنانی

منابع

الف) منابع فارسی

کتاب‌ها

- احتشام کاویانین، محمد (۱۳۵۵). *شمس‌الشموس یا تاریخ آستان قدس، مشهد: آستان قدس*.
- *اسناد موقوفات آستان قدس رضوی در هرات (۱۳۶۰-۱۱۸۱ ق)*. (۱۳۷۸). به کوشش علی کریمیان، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد.
- سید قطبی، سید مهدی (۱۴۰۱). *اخبار خراسان در مطبوعات دوره رضا شاه*، قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- شوشتری، سید محمدعلی (۱۳۹۹). *خاطرات سیاسی سید محمدعلی شوشتری*، به اهتمام غلامحسین میرزا صالح، تهران: کویر.
- فتحی، نصرالله (۱۳۵۲). *زندگینامه شهید نیکنام ثقه الاسلام تبریزی ۱۲۷۷-۱۳۳۰ هجری؛ و بخشی از تاریخ مستند مشروطیت ایران*، تهران: بنیاد نیکوکاری نوریانی.
- غلامحسین میرزا صالح (۱۳۸۷). *فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس*، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران: نگاه معاصر.
- ستاد ارتش هند انگلیس (۱۳۹۸). *فرهنگ رجال، قبایل و افراد در خراسان، سیستان و قایانات*، ترجمه محمود رفیعی، بیرجند: چهار درخت.
- مدرس رضوی، محمدتقی و دیگران (۱۳۸۸). *مشهد در آغاز قرن چهاردهم خورشیدی مشهور به گزارش مکتب شاهپور*، تصحیح و توضیح سید مهدی سیدی فرخ، مشهد: آهنگ قلم.
- مولوی، عبدالحمید (۱۳۵۳). *پیش‌نویس فهرست موقوفات آستان قدس رضوی*، مشهد: دفتر موقوفات آستان قدس.
- نجف‌زاده، علی و قصابی گزکوه، جلیل (۱۴۰۳). *تاریخ اقتصادی مشهد (از دوره ناصری تا انقلاب اسلامی)*، مشهد: بوی شهر بهشت.

مقالات

- پورمحمدی املشی، نصرالله، رحمانی، سعیده، خازنی، معصومه (۱۳۴۲). بررسی سیاست دولت پهلوی اول نسبت به بازگشت مهاجران ایرانی از شوروی. *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۱۴(۳۶)، ۵۳-۸۲. 10.22034/JIIPH.2023.53396.2366
- بختیاری، محمد و اصلاحی، متین سادات (۱۴۰۳). بررسی سیاست‌های فقرزدایی دولت پهلوی اول بر مبنای نظریه دولت توسعه گرا (مطالعه موردی اصفهان). *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۱۵(۴۱)، ۴۹-۷۷. 10.22034/JIIPH.2024.61156.2510

گزارش‌ها

- فاطمی، فائزه (۱۴۰۰). *پایان‌نامه بررسی کارکردها و فعالیت‌های تجارتخانه‌های مشهد در عصر پهلوی*، گروه تاریخ دانشگاه بیرجند استاد راهنما دکتر زهرا علیزاده بیرجندی، استاد مشاور دکتر مجتبی خلیفه.
- نجف‌زاده، علی (۱۴۰۳). *از اطاق تا اتاق*، گذری بر بیش از ۹۰ سال تحولات تاریخی و فعالیت تشکیلی در عرصه اقتصادی، مشهد: مدال ورزش.

اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): ش ۰۹۲۹۰۴-۰۲۴۰، ۰۵۴۵۲۵-۰۲۴۰، ۱۱۶۳۷-۰۲۴۰، ۲۸۳۳۷-۰۲۹۳، ۳۰۰۱۵-۰۳۹۳، ۴۷۴۸۷-۰۳۱۰، ۴۷۴۸۰-۰۳۱۰، ۲۵۲۴۶-۰۳۱۰، ۲۲۱۴۱-۰۳۱۰، ۳۵۶۴۹-۰۳۱۰.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، سال ۱۳۰۳ش، کارتن ۱۶، پوشه ۸۵.
- -----، سال ۱۳۰۳ش، کارتن ۳۹، پوشه ۲.
- -----، سال ۱۳۰۷ش، کارتن ۲۶، پوشه ۲۵.
- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (ساکماق)، ش ۴۶۷۷، ۴۱۱۳، ۶۶۴۷۶، ۶۷۴۸۴، ۶۸۵۱۷، ۸۱۱۴۷، ۹۴۱۵۳، ۹۴۱۵۳، ۹۴۱۵۳، ۹۷۳۰۲، ۹۹۱۳۴.

۹۹۳۷۹، ۹۹۱۳۶، ۱۱۰۹۸۴، ۱۱۳۴۵۷، ۱۱۸۲۵۰، ۱۲۸۸۶۶، ۱۳۷۵۱۹، ۱۳۹۳۴۳، ۱۴۰۴۸۵،
۱۴۴۱۵۹، ۱۴۵۸۱۳، ۱۸۲۱۲۹.

- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، ۰۸۱۹۰-۱۱۷-۱۱-۱۸-۱۲۰-
۵

- ، ۶-۳۴-۱۸-۱-۴۵/۷

روزنامه‌ها

- روزنامه آزادی (۱۳۰۴). سال ۱، شماره ۳، ۲۷ مهر ۱۳۰۴.
- (۱۳۰۴). سال ۱، شماره ۲۱، ۲۴ اسفند ۱۳۰۴،
- (۱۳۰۵). سال ۲، شماره ۷، ۲۱ آذر ۱۳۰۵.
- (۱۳۰۸). سال ۴، شماره ۳۰، ۵ خرداد ۱۳۰۸.
- (۱۳۱۲). شماره ۶۳۹، ۲۱ فروردین ۱۳۱۲.
- (۱۳۱۵). شماره ۱۱۰۱، ۲۸ خرداد ۱۳۱۵.
- (۱۳۱۵). شماره ۱۱۲۷، ۱۱ مرداد ۱۳۱۵.
- (۱۳۱۶). شماره ۱۲۶۵، ۲۹ فروردین ۱۳۱۶.
- (۱۳۲۳). شماره ۲۲۳۶، ۲۱ دی ۱۳۲۳.
- روزنامه آفتاب شرق (۱۳۱۶). سال ۱۲، شماره ۶۵۰، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۱۶.
- (۱۳۱۷). سال ۱۴، شماره ۹۸۴، ۱۰ شهریور ۱۳۱۷.
- (۱۳۱۸). سال ۱۴، شماره ۱۱۷۶، ۲۳ فروردین ۱۳۱۸.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۰۷). سال ۳، شماره ۵۴۸، ۹ مهرماه ۱۳۰۷.
- (۱۳۱۸). شماره ۳۸۰۵، ۲۵ فروردین ۱۳۱۸.

- روزنامه بهار (۱۳۰۸). سال ۱۲، شماره ۱۸۰، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۰۸.
- ----- (۱۳۰۸). سال ۱۲، شماره ۵۹۸، ۴ دی ۱۳۰۸.
- ----- (۱۳۰۹). سال ۱۳، شماره ۸۸۶، ۱۷ دی ۱۳۰۹.
- روزنامه خورشید (۱۳۰۴). سال ۲، شماره ۴۵، ۹ مهر ۱۳۰۴.
- روزنامه جبل‌المتین (۱۳۰۷). سال ۳۶، شماره ۳۹، ۲۰ شهریور ۱۳۰۷.
- روزنامه شهامت (۱۳۱۶). سال ۹، شماره ۲۲۷، ۱۵ مرداد ۱۳۱۶.
- روزنامه مهر منیر (۱۳۰۶). سال ۶، شماره ۱۶، ۲ اردیبهشت ۱۳۰۶.
- ----- (۱۳۰۶). سال ۶، شماره ۳۶، ۲۷ مهر ۱۳۰۶.
- ----- (۱۳۰۶). سال ۶، شماره ۴۱، ۳ آذر ۱۳۰۶.
- ----- (۱۳۰۶). سال ۷، شماره ۵، ۳ اسفند ۱۳۰۶.
- ----- (۱۳۰۷). سال ۷، شماره ۱۷، ۲۳ خرداد ۱۳۰۷.
- ----- (۱۳۰۷). سال ۷، شماره ۳۸، ۳۰ آبان ۱۳۰۷.
- ----- (۱۳۰۷). سال ۷، شماره ۴۱، ۱ دی ۱۳۰۷.
- روزنامه ناطق خراسان (۱۳۴۱). شماره ۵۰۲، ۱۴ فروردین ۱۳۴۱.



H. KAZEM KOOZAKONANI
MESHED (Iran)
TELEG. ADDRESS: „KOOZAKONANI“

حاجی کاظم کوزه‌کنانی
مشهد
عنوان تلگرافی: «کوزه‌کنانی»
تاریخ: ۱۳۱۰/۱۲/۱۴
شماره: ۱۰۵۲

شرکت سهامی خریدی و نساجی خسروی خراسان
بواسطه عارضه کمالیات از حضور در مجمع معذور آقای علیزاده از طرف اینجانب وکالت
دارند که در مجمع منعقد مورخه ۱۶/۱۲/۱۴ شرکت نموده و رأی مقتضی بدهند.

۴۹۱۷
۱۶/۱۲/۱۴

سندی از تجارتخانه کوزه‌کنانی (ساکماق، ۱۳۷۵۱۹/۲۰)